



## Debate etiquette from the Perspective of the Qur'an and Ahl al-Bayt

Isa Isazadeh<sup>1</sup>

Received: 16/05/2022

Accepted: 03/09/2022

### Abstract

One of the tools for the flourishing of pure thoughts and the achievement of lost truths is debate and exchange of opinions. Through this method, the prophets and divine authorities explained the revelational and rational teachings and strengthened the people's opinions, and defended the truth of the religions and divine teachings by refuting the doubts of the opponents and enemies. In the present era, one of the effective ways to introduce and explain the pure teachings of Islam and the enlightened teachings of the Ahl al-Bayt school of thought and to defend against the invasion of the doubts of dissidents and enemies, is to use debate, discourse and free-thinking sessions. One of the conditions of using this method is to know the etiquette of debate. The present study seeks to make use of religious teachings to introduce and explain the etiquette. The type of collection in this study is a library and descriptive-analytical method has been used to answer the research question. In the end, it was concluded that observing the etiquette that is presented in the religious teachings for debate could have a decisive role in explaining and introducing the truths of Islam.

### Keywords

Debate etiquette, the Qur'an, Ahl al-Bayt.

---

1. Assistant Professor, Research Center for Quranic Culture and Sciences, Islamic Sciences and Culture Academy, Qom. Iran. e.isazadeh@isca.ac.ir.

---

\* Isazadeh, I. (2022). Debate etiquette from the perspective of the Qur'an and Ahl al-Bayt. *Journal of Qur'anic Sciences Studies*, 4(12), pp. 29-48. DOI: 10.22081/JQSS.2022.63993.1192

---

## آداب المناظرة في منظار القرآن وأهل البيت عليهم السلام

عيسى عيسى زاده<sup>١</sup>

تاريخ القبول: ٢٠٢٢/٠٩/٠٣

تاريخ الاستلام: ٢٠٢٢/٠٥/١٦

### الملخص

يمثل النقاش وتلاخ الآراء واحداً من أدوات ازدهار الأفكار الأصيلة والوصول إلى الحقائق الخافية وقد لجأ الأنبياء وأولياء الله إلى الاستفادة من هذه الوسيلة لبيان وتوضيح تعاليم الوحي والعقل وترسيخ عقائد الناس، وإلى الدفاع عن حقائق الأديان والتعاليم الإلهية من خلال إبطال وتفنيدها شبهات المخالفين والمعاندين وفي عصرنا الحاضر أيضاً فإن أحد الأساليب المؤثرة في تعريف وبيان معارف الدين الإسلامي الصافية والتعاليم التوراتية لمدرسة أهل البيت عليهم السلام والدفاع في وجه هجمة شبهات المنحرفين والأعداء هو الاستفادة من الحوارات والنقاشات والندوات الفكرية. وأحد لوازم الاستفادة من هذا الأسلوب هو المعرفة الدقيقة بآداب الحوار والمناظرة والبحث الحالي يستهدف بيان هذه الآداب وتوضيحها من خلال الاستعانة بالتعاليم الدينية وكانت كيفية التجميع في هذا البحث هي طبقاً للأسلوب المكتبي، أما الإجابة على تساؤلات البحث فكانت تبعاً للأسلوب الوصفي التحليلي وكانت النتيجة التي توصل اليها البحث إليها تتمثل في أن رعاية الآداب التي ورد التأكيد والحث عليها في التعاليم الدينية يمكن أن تلعب دوراً حاسماً في بيان حقائق الإسلام وتوضيحها.

### المفردات المفتاحية

آداب النقاش، القرآن، أهل البيت عليهم السلام.

١. مساعد أستاذ في معهد الثقافة والمعارف القرآنية في المعهد العالي للعلوم والثقافة الإسلامية، قم، إيران.

e.eisazadeh@isca.ac.ir

\* عيسى زاده، عيسى. (٢٠٢٢). آداب المناظرة في منظار القرآن وأهل البيت عليهم السلام. مجلة دراسات العلوم القرآنية فصلية علمية - محكمة، ٤(١٢)، صص ٢٩-٤٨.  
DOI: 10.22081/JQSS.2022.63993.1192

## آداب مناظره از منظر قرآن و اهل بیت علیهم السلام

عیسی عیسی زاده<sup>۱</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۲/۲۶

### چکیده

از ابزار شکوفایی اندیشه‌های ناب و دستیابی به حقایق گم‌شده، مناظره و تضارب آرا است. پیامبران و اولیای الهی با بهره‌گیری از این راه، به تبیین آموزه‌های وحیانی و عقلانی و استحکام بخشی عقاید مردم پرداخته‌اند و با ابطال شبهات مخالفان و معاندان، از حقانیت ادیان و آموزه‌های الهی دفاع کرده‌اند. در عصر حاضر نیز یکی از راه‌های مؤثر در معرفی و تبیین معارف زلال دین اسلام و آموزه‌های نورانی مکتب اهل بیت علیهم السلام و دفاع در مقابل تهاجم شبهات دگراندیشان و دشمنان، استفاده از مناظره، گفتمان و کرسی‌های آزاداندیشی است. یکی از شرایط بهره‌گیری از این راه، شناخت دقیق، آداب مناظره است. پژوهش حاضر در پی آن است تا باب‌بهره‌گیری از آموزه‌های دینی به معرفی و تبیین آن آداب بپردازد. نوع گردآوری در این تحقیق، کتابخانه‌ای و با روش توصیفی-تحلیلی به پاسخگویی به پرسش پژوهش پرداخته شده است. درنهایت این نتیجه به دست آمد که رعایت آدابی که در آموزه‌های دینی برای مناظره ارائه شده است، می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در تبیین و معرفی حقایق اسلام داشته باشد.

### کلیدواژه‌ها

آداب مناظره، قرآن، اهل بیت علیهم السلام.

۱. استادیار پژوهشکده فرهنگ و معارف قرآن پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران. e.eisazadeh@isca.ac.ir

\* عیسی زاده، عیسی. (۱۴۰۱). آداب مناظره از منظر قرآن و اهل بیت علیهم السلام. فصلنامه علمی - ترویجی مطالعات علوم قرآن، ۴(۱۲)، صص ۲۹-۴۸.  
DOI: 10.22081/JQSS.2022.63993.1192

انسان معاصر به‌رغم دستیابی به رفاه مادی و ابزار پیشرفته زندگی دنیایی، نتوانسته به آن آرامش واقعی دست پیدا کند؛ به همین دلیل سرگشته و حیران به دنبال پیدا کردن آن گم‌شده خویش است. یکی از راه‌های هدایت این گم‌گشتگان و فراهم کردن زمینه دستیابی آنان به آرامش واقعی، عرضه صحیح معارف نورانی قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام عصمت و طهارت است. از بهترین راه‌های تحقق چنین رسالتی، بهره‌گیری دانشمندان اسلام‌شناس از ابزار مناظره و گفت‌وگو است؛ همان‌گونه که پیامبران الهی و ائمه هدی و علمای بزرگ به بهترین وجه از این راه برای هدایت امت عصر خویش استفاده می‌کردند و با ابطال ادعاهای مخالفان و دشمنان، راه رسیدن انسان‌های تشنه را به سرچشمه‌های زلال معارف الهی فراهم می‌کردند.

همچنین یکی از آفت‌های جدی که بنیان‌های اعتقادی جوامع اسلامی را تهدید می‌کند و روز به روز بر سستی و ضعف باورهای درونی مسلمانان افزوده می‌شود، فقدان آگاهی عمیق درباره اصول و ریشه‌های اصلی دین است؛ چراکه پذیرش تقلیدی و سطحی دین نمی‌تواند انسان را هنگام تهاجم شبهات از تزلزل و انحراف حفظ کند؛ به همین دلیل هر روز شاهد افزایش دین‌گریزی افراد سست‌بنیان و ضعیف‌الایمان هستیم. با توجه به پیشرفت ابزار رسانه‌ای، یکی از راه‌های تقویت بنیان‌های اعتقادی، استفاده از مناظره، گفت‌وگو و کرسی‌های آزاداندیشی در مجامع گوناگون است. دانشمندانی که از تسلط کامل در فن مناظره برخوردار هستند، می‌توانند با بهره‌جستن از پشتوانه غنی و محکم عقلی و نقلی، در ارائه معارف بلند اسلام به شبهات موجود پاسخ دهند. با بررسی‌های انجام‌شده معلوم شد مناظره با رویکردهای مختلف و از جهات گوناگون بررسی و پژوهش شده است که در کتابخانه‌ها، تارنماها، پایان‌نامه‌ها و... مقاله و کتاب قابل مشاهده است؛ اما در مورد آداب مناظره از منظر قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام، پژوهش درخوری یافت نشد.

این پژوهش به‌صورت توصیفی-تحلیلی و گردآوری داده‌ها براساس روش کتابخانه‌ای است که با تحلیل محتوا به بررسی آداب مناظره از منظر قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام می‌پردازد.

## ۱. مفهوم‌شناسی

### ۱-۱. آداب

آداب، جمع ادب است. ادب به هیئت نیکویی گفته می‌شود که سزاوار است فعل مشروع طبق آن صورت گیرد (ظرافت و آراستگی کار) (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۶، ص ۲۵۶). دیلمی در ارشاد القلوب ادب را این‌گونه تعریف کرده است: «حقیقت ادب آن است که خصلت‌های خیر همه یکجا گرد آید و انسان از خصلت‌های شر، تهی شود، با ادب، انسان در دنیا و آخرت به کرامت انسانی می‌رسد و از همین طریق، مسیر بهشت را می‌پیماید. ادب نزد مردم، سخن نیکو گفتن است نه چیز دیگر و این تعریف زمانی صحیح است که رضای خدا سبحان و بهشت همراه آن باشد و ادب همانا ادبی است که شریعت می‌گوید؛ سپس خود را به آن مؤدب سازید تا حقیقتاً مؤدب باشید» (دیلمی، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۱۶۰).

در احادیث اهل بیت نیز به ادب توجه شده است. رسول خدا ﷺ در وصف مؤمن فرموده است: «حرکاتُهُ اَدَبٌ؛ حرکات مؤمن تجسم ادب است» (اسکافی، ۱۴۰۴ق، ص ۷۴). امیرمؤمنان علی علیه السلام نیز فرمود: «لُكُلُّ اَمْرِ اَدَبٌ؛ برای هر امری ادبی هست» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۲۴۷).

آداب از حیث خاستگاه آن به دینی و غیردینی تقسیم می‌شود. آداب دینی برگرفته از نصوص و منابع دینی است و آداب غیردینی از ویژگی‌های منطقه‌ای، نژادی، تاریخی، صنفی، جنسی و امثال آن نشئت می‌گیرد و چه بسا یک چیز در یک منطقه جزو آداب باشد، ولی در منطقه دیگر از آداب نباشد. آداب در تقسیم دیگر به فردی و اجتماعی تقسیم می‌شود. آداب فردی آن است که در زمان و مکان رعایت ادب، کسی جز انجام آن حضور نداشته باشد، مثل آداب خوابیدن؛ اما آداب اجتماعی به حضور دیگران انجام می‌گیرد، مثل آداب معاشرت (حسین‌زاده، ۱۳۹۳، ص ۱۹).

آداب و اخلاق تفاوت دارد. اخلاق آن صفات راسخه درونی است و آداب آن رفتار بیرونی. شهید مطهری در تفاوت آن دو چنین گفته است: «آداب و اخلاق با

یکدیگر تفاوت دارند، آداب به ساختمان روحی انسان مربوط نیست، بلکه با قراردادهای میان انسان‌ها مرتبط است، به‌عنوان مثال اخلاق، تواضع را اقتضا می‌کند؛ اما در یک جامعه، افراد به نشانه تواضع، کلاه خود را برمی‌دارند، ولی در جای دیگر کلاه بر سر می‌گذارند» (مطهری، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۲۴۸).

### ۲-۱. مناظره

مناظره از ریشه نُظِرَ، به معنای دیدن با چشم است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۴، ص ۱۹۱). این واژه در زبان فارسی به معنای جدال کردن، با هم بحث کردن، با هم سؤال و جواب کردن، با هم نظر کردن، یعنی فکر کردن درحقیقت و ماهیت چیزی، مجادله و نزاع با همدیگر و نیز بحث با یکدیگر درباره حقیقت و ماهیت چیزی به کار رفته است (دهخدا، ۱۳۳۰، ج ۱۴، ص ۲۱۵۶۲).

عنوان مناظره اصطلاحی منطقی است که در تعریف آن چنین گفته‌اند: مناظره عبارت است از توجه متخاصمین در اثبات نظر خود در مورد حکمی از احکام و نسبتی از نسبت‌ها برای اظهار نظر و روشن کردن حق و صواب و بالاخره مناظرات بحث باشد در مسائل مختلف‌فیه و ایراد نظیر بالنظیر و مقابل بالمقابل (سجادی، ۱۳۷۳، ص ۱۹۱۸). نیز در تعریف مناظره گفته‌اند: به عمل کسانی که در مقابل هم می‌ایستند و هر کدام می‌خواهد پایه‌های سخن خود را محکم کرده، بر دیگری غلبه نماید، مناظره (مجادله) گفته می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ص ۱۵). نیز در تعریف آن گفته شده است: «مقصود از بحث آن است که اثبات حکم ثبوتی یا سلبی کنند به دلیل و مراد از مناظره آن است که دو خصم نظر کنند در حکم و مسئله‌ای به قصد آنکه صواب پیدا شود» (مشکوه، ۱۳۲۴، ج ۱، ص ۲۷).

راغب اصفهانی در تعریف مناظره گفته است: گفتگو و نکته‌بینی طرفین رودررو و به‌میان آوردن هر آنچه به آن معتقد هستند و مراد از «نظر» کاوش است که اعم از قیاس می‌باشد؛ زیرا هر قیاسی نظر است؛ ولی هر نظری قیاس نیست (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۹۸).

یکی از واژگان مرتبط با مناظره واژه جدل است که به معنای استواری، استحکام و شدت آمده است (مصطفوی ۱۳۸۰، ج ۱۳، ص ۶۳). جدال به معنای گفتگو با نزاع و ستیزه و چیرگی بر یکدیگر است که اصل آن از «جَدَلْتُ الحَبْلَ» یعنی ریسمان و طناب را محکم تاباندم است (راغب اصفهانی ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۳۸۵). مجادله نیز به معنای جدال کردن است؛ یعنی به وسیله بحث و گفتگو، دیگری را قانع کردن و حقیقت را برای او روشن نمودن (مصطفوی، ۱۳۸۰، ج ۱۳، ص ۱۶۸).

### ۳-۱. آداب مناظره

شناخت کافی از آداب مناظره از ضروریات مناظره مطلوب است. مناظره‌ای که طرفین آن از آگاهی لازم در این امر برخوردار نباشند، از مسیر خود خارج و به مراء و جدل خواهد انجامید و نتیجه‌ای جز افزایش کینه، کدورت و دشمنی نخواهد داشت و این با هدف مناظره که روشن شدن حقایق است، سازگاری ندارد. مراد از آداب مناظره در این پژوهش مجموعه ضوابطی است که هنگام مناظره، بحث و گفتگوی فلسفی، علمی، دینی و اعتقادی باید از سوی طرفین مراعات شود.

### ۲. پیشینه مناظره

مناظره و گفتگو و احتجاج از همان آغاز آفرینش، از اساسی‌ترین ابزارهای ارتباط جمعی انسان‌ها برای تفهیم و تفاهم بوده است. تاریخ ادیان توحیدی نشان می‌دهد پیامبران بزرگ الهی نیز همواره در موقعیت‌های گوناگون تبلیغی از این ویژگی بهره‌های فراوان برده‌اند.

احتجاجات حضرت نوح، هود، صالح، ابراهیم، لوط، شعیب، موسی و عیسی علیهم‌السلام با کافران قوم‌شان و مخالفان فکری‌شان، در قرآن گزارش شده است (بقره، ۵۴ و ۵۵؛ آل‌عمران، ۶۵؛ مانده، ۲۰؛ انعام، ۸۰-۸۱؛ اعراف، ۶۱، ۶۵، ۶۵، ۷۳، ۸۵، ۱۰۴؛ هود، ۲۸-۳۲، ۵۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۸۱، ۸۴، ۸۷ و ۸۸؛ یوسف، ۳۹)؛ چنان‌که احتجاج‌های پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با مشرکان عرب، مسیحیان نجران،

یهودیان، مادی‌گرایان و منکران معاد در بسیاری از آیات (بقره، ۱۱۱؛ انبیاء؛ ۲۴؛ یونس؛ ۳۵، ۱۰۱؛ رعد؛ ۱۶؛ اسراء؛ ۵۶، ۸۵؛ سبأ، ۲۲، ۲۴؛ جاثیه، ۲۶؛ نحل، ۶۴) و منابع احادیثی انعکاس یافته است (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۱، صص ۲۸-۵۵).

پس از پیامبر ﷺ اهل بیت علیهم السلام نیز تداوم‌دهنده این سیره بوده‌اند (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۱، صص ۹۰-۲۶۹، ج ۲، صص ۸۵-۴۶۱). یکی از مناظرات به یادماندنی ائمه هدی، مناظره و گفتگوی امام رضا علیه السلام با مخالفان به‌ویژه عالمان یهودی، مسیحی، زرتشتی، صابئی، متکلمان نامدار و دیگران است که با پیشنهاد مأمون عباسی برگزار گردید و بسیار شنیدنی و مثال‌زدنی است (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۲، صص ۳۹۶-۴۳۲). در پی این مناظره‌های امام هشتم علیه السلام بود که یکی از پویاترین کانون‌های علوم اسلام به‌ویژه شیعی، در خراسان پا گرفت و این شهر در دوره‌های بعد به ایفای نقشی حیاتی در پاسداری از اسلام و تشیع و ترویج آن پرداخت. ارزش هرچه بیشتر این مناظره‌ها به‌ویژه با استناد به کتاب‌های مقدسی همچون تورات، انجیل و زبور، زمانی به‌خوبی روشن می‌شود که شرایط شگفت‌حاکم بر منطقه عمومی خراسان بزرگ از تنوع فرقه‌ها و نحله‌های دینی و مذهبی گوناگون و چالش‌هایی که از این ناحیه متوجه اسلام و جامعه مسلمانان بود، مورد توجه قرار گیرد (اسدی، ۱۳۸۷، صص ۸۳). در سیر تاریخی پیشینه مناظره، بعد از ائمه، علمای بزرگ و اصحاب و یاران آنان بودند که با ادامه‌دادن این سیره ارزشمند ائمه، توانستند در تبیین معارف حقه تشیع و دفاع از شبهات وارده، خدمات ارزشمندی ارائه کنند (طبرسی ۱۳۷۱، ج ۲، صص ۴۴۹-۵۰۷).

### ۳. اهمیت ادب

ادب هر فردی یکی از نشانه‌های صفاتی درونی او است. در اهمیت ادب، سخنان ارزشمندی از اهل بیت علیهم السلام نقل شده است که در اینجا به دو مورد اشاره می‌شود:

امیر مؤمنان علی علیه السلام در توصیه‌ای به فرزندش امام حسن علیه السلام درباره ادب فرمود: «ای پسر، بهره خویش را از ادب بگیر و دل خویش را برای آن آماده کن. همانا ادب ارزشمندتر از آن است که زشتی و پستی با آن درآمیزد و آگاه باش هرگاه نیازمند شوی، نیازت را با آن برطرف می‌کنی و به زندگی ادامه می‌دهی و اگر صاحب عزا



شوی، ادب برای تو همدمی است که با حضور آن احساس تنهایی نمی کنی. فرزندم، ادب زایشگاه عقل، پاکی قلب و علامت فضیلت است. آگاه باش، همانا برای هیچ کس با مال و ریاست، مروّت و مردانگی پدید نیاید، بلکه ادب تکیه گاه مرد، زبان عقل و نشان کرامت‌های اخلاقی او است. اگر ادب نباشد، انسان چیزی نیست جز چهارپایی بی هدف» (دیلمی، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۱۶۰).

همچنین آن حضرت در سخن دیگری درباره آثار رعایت ادب فرمود: «ای مؤمن، همانا این علم و ادب قیمت جان تو است؛ پس در به دست آوردن آن دو تلاش کن، هر چه علم و ادب افزایش یابد ارزشش بالاتر می رود، همانا با علم به سوی پروردگارت هدایت می شوی و با ادب به خوبی به پروردگارت خدمت می کنی و بنده با ادب، استحقاق ولایت و قرب به خدا را پیدا می کند» (فتال نیشابوری، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۱).

#### ۴. مصادیق آداب مناظره

##### ۴-۱. بهره‌مندی از آگاهی و تسلط بر موضوع مناظره

از آداب و قواعد پذیرفته شده در مناظره آن است که طرفین مناظره از آگاهی لازم و تخصص در مورد موضوع مناظره برخوردار باشند؛ چون مناظره عالم با جاهل یا مناظره متخصص با غیرمتخصص بی معنا است؛ بر همین اساس حضرت ابراهیم علیه السلام در گفتگو با پدرش (عمویش) این اصل را این گونه یادآوری می کند: «يَا أَبَتِ إِنِّي قَدْ جَاءَنِي مِنَ الْعِلْمِ مَا لَمْ يَأْتِكَ فَاتَّبِعْنِي أَهْدِكَ صِرَاطًا سَوِيًّا؛ ای پدر، دانشی نصیب من شده است که نصیب تو نگشته است؛ بنابراین از من پیروی کن تا تو را به راه راست راهنمایی کنم» (مریم، ۴۳) و در آیه‌ای دیگر خطاب به اهل کتاب گفته شده است که چرا به چیزی که علم ندارید، محاجّه می کنید؟ «فَلِمَ تُحَاجُّونَ فِيمَا كَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ» (آل عمران، ۶۵) و در گفتگوی مسیحیان نجران با پیامبر صلی الله علیه و آله خداوند خطاب به آن حضرت فرمود: «هر کس با تو درباره عیسای مسیح پس از آنکه تو را علم آمده، محاجّه و ستیز کند، به آنان بگو، بیاید مباحله کنیم؛ فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا» (آل عمران، ۶۰). با توجه به همین قاعده (عالم بودن) در مناظره، وقتی نوفلی به امام رضا علیه السلام از قدرت و

توانمندی مناظره‌کنندگان سران ادیان با ایشان خبر می‌دهد، امام در پاسخ به این اصل (تسلط خویش بر ادیان) اشاره کرده، می‌فرماید: «هنگامی که مأمون استدلال مرا با توراتیان به تورات آنها و با انجیلیان با انجیل آنها و با زبوریان به زبور آنها و با هیریدها (عالمان زرتشتی) به پارسی و با رومیان به رومی و با فرقه‌های مختلف به زبان هریک بشنود و ببیند که زبان همه اینها بند آمد، خواهد دانست او درخور این نیست که در این راه گام بردارد و در این موقع است که پشیمانی او را در برگیرد» (ابن‌بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۱۵۴).

انسانی که در موضوع مورد بحث تخصص ندارد، حق دارد سؤال کند؛ ولی حق ندارد به مجادله پردازد، همان‌گونه که حضرت موسی علیه السلام از خضر علیه السلام چنین درخواستی کرده است: «قَالَ لَهُ مُوسَى هَلْ أَتَّبِعُكَ عَلَيَّ أَنْ تُعَلِّمَنِي مِمَّا عَلَّمْتَ رُشْدًا؛ موسی به او (خضر) گفت: آیا می‌پذیری که همراه تو شوم و از تو پیروی کنم، بدان شرط که از آنچه مایه رشد و صلاح است و به تو آموخته شده است به من یاد بدهی؟» (کهف، ۶۴).

#### ۲-۴. مستند سخن گفتن

با توجه به آیاتی مثل «قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ؛ بگو اگر راست می‌گویید دلیل خود را بیاورید» (بقره، ۱۱۱؛ انبیاء، ۲۴؛ نمل، ۶۴) و آیه «قُلْ فَأْتُوا بِالتَّوْرَةِ فَاتْلُوهَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ؛ بگو اگر راست می‌گویید، تورات را بیاورید و آن را بخوانید» (آل‌عمران، ۹۳)، یکی از آداب مناظره آن است که براساس دلایل علمی و مستند انجام گیرد و اگر بنا است ادعایی مطرح شود، برای اثباتش یا باید برهان اقامه گردد یا باید به منبع مورد قبول مستند شود؛ زیرا اگر اشخاص غیرعالم برای دفاع از حق به میدان مناظره بیایند و به دلیل فقدان معلومات شکست بخورند، آیین حق لطمه می‌خورد؛ از همین رو در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده است محمد بن عبدالله معروف به طیار به امام صادق علیه السلام گفت: «بلغنی انک کرهت مناظرة الناس؛ به من گفته‌اند که شما از مناظره کردن شیعیان با مخالفان کراهت دارید». امام فرمود: «اما کلام مثلک فلا یکره، من اذا طار یحسن ان یقع و ان وقع یحسن ان یطیر فمن کان هکذا لا نکرهه؛ از گفتگوهای شخصی مانند تو کراهت

نداریم، کسی که هنگامی که به پرواز درمی آید، می تواند در جای خود به خوبی بنشیند و هنگامی که می نشیند می تواند به پرواز در آید (با مهارت وارد بحث می شود و با مهارت از آن خارج می گردد) ما از گفتگو و مناظره چنین کسی ناراحت نیستیم» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۱۳۶). انتخاب لقب طیار برای این صحابی معروف امام صادق علیه السلام نیز اشاره به همین معنی است؛ زیرا در مباحثه و جدل، بسیار قوی و نیرومند بود و با قدرت و مهارت می توانست از حق دفاع کند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۱۳۶).

### ۳-۴. پرهیز از جدال باطل

در مناظره باید از جدال باطل پرهیز کرد. بیشترین استعمال عنوان جدال در قرآن، مربوط به جدال باطل است که در موارد گوناگون از آن نهی شده است: «الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ» (غافر، ۳۵)، «وَإِنْ جَادَلُواكَ فَقُلْ اللَّهُ أَعْلَمُ» (حج، ۶۸)، «مَا صَرَّوْهُ لَكَ إِلَّا جِدْلًا» (زخرف، ۵۸)، «وَكَانَ الْإِنْسَانُ أَكْثَرَ شَيْءٍ جِدْلًا» (كهف، ۵۴)، «وَهُمْ يُجَادِلُونَ فِي اللَّهِ» (رعد، ۱۳)، «وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يُجَادِلُ فِي اللَّهِ» (حج، ۳)، «وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ» (بقره، ۱۹۷).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در یکی از روزها بر گروهی که مشغول جدال بودند، گذشت. حضرت بعد از عتاب کردن آنان فرمود: پیشینیان شما را جدال و مرء هلاک کرد؛ سپس در مورد پیامد خطرناک جدال باطل فرمود: مجادله را ترک گویند؛ چراکه مؤمن هرگز در بحث به ستیزه نمی پردازد. مجادله را ترک گویند که مجادله گر زیان دیده است و من در روز قیامت از آن که مناقشه کند، شفاعت نمی کنم و هر که ترک مجادله کند، در حالی که حق با او است، من برای او سه خانه در باغ های بهشت و در میانه آن و بالاترین طبقه آن ضمانت می کنم. مجادله را ترک کنید؛ زیرا پروردگام بعد از نهی از پرستش بتان، اولین چیزی که مرا از آن نهی فرمود مرء بود» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۱۳۸).

### ۴-۴. اخلاص

از آداب ارزشمندی که در هر کاری باید رعایت شود، داشتن نیت الهی و اخلاص

است. رعایت این ادب در مناظره می‌تواند آثار و برکات فراوانی را به همراه داشته باشد. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در توصیه‌ای به اباذر فرمود: «یا اباذِرَ لِيَكُنْ فِي كُلِّ شَيْءٍ نِيَّةً صَالِحَةً حَتَّى فِي النَّوْمِ وَالْاِكْلِ؛ ای اباذر، باید در هر کاری نیتی پاک داشته باشی حتی در خوابیدن و خوردن» (ابن ابی فراس، ۱۴۱۰ق، ج ۵۸، ص ۲).

یکی از لوازم رعایت این ادب آن است که قلب فرد مناظره‌کننده از کسب اموری مثل شهرت، اظهار تخصص، برتری‌طلبی و مدح دیگران منزّه و مبرا باشد که در این صورت سعی می‌کند در سخن گفتن هنگام مناظره، از به کارگیری ضمیر متکلم پرهیز نماید و با استفاده از ضمیر غایب، شائبه هرگونه خودپسندی را از خود دور کند؛ برای مثال به جای اینکه بگوید من یا ما، بگوید عده‌ای از محققان یا افرادی از متخصصان فن، این‌گونه گفتند یا چنین نظری دارند.

#### ۴-۵. به نرمی سخن گفتن

از توصیه‌های قرآن، هنگام مناظره و گفتگو به نرمی سخن گفتن است. خداوند هنگام فرستادن موسی و هارون عَلَيْهِمَا السَّلَامُ برای مناظره با فرعون، به اثر رعایت این نکته چنین اشاره می‌کند: «فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَيْسَ لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَحْشَى؛ با زبان نرم [و دور از خشونت] با او گفتگو کنید، شاید متذکر شود [و حق را بپذیرد] یا بترسد» (طه، ۴۴)؛ همان‌گونه که خداوند رعایت این ویژگی را رمز موفقیت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در جذب مردم مطرح کرده است: «فِيمَا رَحْمَةً مِنَ اللَّهِ لَئِنْ لَمْ يَكُنْ مِنْكُمْ لَفُوقًا لَلْأَعْيُنِ وَمَنْ يَفُوقُهُمْ لَيُكْفَرْنَ بِهِ» (سجده، ۷)؛ «پیامبر! پس به مهر و رحمتی از سوی خدا با آنان نرم‌خوی شدی و اگر درشت‌خوی و سخت‌دل بودی از پیرامونت پراکنده می‌شدند» (آل‌عمران، ۱۵۹).

#### ۴-۶. استفاده از بهترین شیوه

یکی از آداب مناظره بهره‌جستن از بهترین شیوه مناظره است که خداوند سبحان پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را در گفتگو و مناظره در دو مورد به رعایت آن توصیه کرده است: یکی در مناظره با مشرکان است «وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ؛ با بهترین شیوه با آنان (کافران)

مناظره کن» (نحل، ۱۲۵) و دیگری در مناظره با اهل کتاب است: «وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ؛ با اهل کتاب جز با نیکوترین شیوه مناظره نکن» (عنکبوت، ۴۶).  
 مرحوم علامه طباطبایی در تفسیر این آیات فرموده است: از تعبیر «احسن» فهمیده می‌شود مجادله سه گونه است: احسن، حسن و غیرحسن؛ اما پیامبر اکرم ﷺ مأموریت دارد به بهترین وجه که همان مجادله احسن است، با مشرکان و اهل کتاب مناظره کند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۲، ص ۳۷۲).

#### ۴-۷. تعبد به احکام الهی

یکی دیگر از آداب مناظره تعبد به احکام الهی است؛ همان‌گونه امام رضا علیه السلام در مناظره با عمران، به این مطلب توجه داشتند. در گفتگو و مناظره با عمران، بحث به جای حساسی رسیده بود، صدای اذان نماز بلند شد، امام برای نماز ظهر برخاستند، اما عمران عاجزانه درخواست کرد امام بحث را ادامه دهد، زیرا دلش نرم و آماده پذیرش مطلب شده است، اما امام با آرامش فرمودند: «بعد از خواندن نماز برمی‌گردیم، سپس به اقامه نماز مشغول شدند و بعد از نماز، دوباره بحث را ادامه دادند (طبرسی، ۱۳۷۱، ج ۲، صص ۴۱۹-۴۲۳).

#### ۴-۸. سعه صدر و تحمل آراء دیگران

داشتن سعه صدر و تحمل کردن آراء و عقاید دیگران نقش مؤثری در موفقیت در مناظره دارد، وقتی حضرت موسی علیه السلام مأموریت پیدا کرد تا با فرعونیان به مناظره و گفتگو پردازد، اولین درخواستی که از خداوند کرد، شرح صدر بود «رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي» (طه، ۲۵).

در مناظرات امام رضا علیه السلام با جائلیق نیز وقتی جائلیق در مقابل استدلال محکم امام عصبانی شد و فریاد زد به خدا علمت را فاسد کردی و امورت ضعیف شد، ما فکر کردیم که تو عالم‌ترین اهل اسلام هستی، امام با سعه صدر و آرامی با او برخورد کردند (طبرسی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۴۱۳).

#### ۹-۴. گوش دادن به سخن طرف مقابل و پرهیز از قطع کردن سخن او

یکی دیگر از آداب مناظره، خوب گوش دادن به سخنان و دلایل طرف مقابل و پرهیز از قطع کردن سخنان او است. این نوع رفتار در مناظره نقش تعیین کننده‌ای در دستیابی به هدف مناظره دارد، زیرا این کار سبب می‌شود تا اولاً، سخنان و ادعای طرف مقابل به خوبی فهمیده شود و ثانیاً هنگامی که نوبت ایشان شده طرف مقابل نیز سعی می‌کند تا به خوبی سخنان او را گوش دهد، ثالثاً قطع کردن سخن مقابل، علاوه بر اینکه نوعی توهین به او می‌باشد، سبب بهانه‌گیری نیز خواهد شد، بر همین اساس در مناظره امام رضا علیه السلام با سلیمان، وقتی سلیمان در سخنانش دچار تناقض گویی شد، مأمون گفت: وای بر تو سلیمان، چقدر این حرف غلط را تکرار می‌کنی؟ این سخن را قطع کن و به سراغ چیز دیگر برو، چون نمی‌توانی هیچ پاسخی بهتر از این آماده کنی. امام رو به مأمون کرده، فرمود: رها کن او را حرفش را قطع نکن، چون آن را دلیل حقانیت خود قرار می‌دهد، سپس رو به سلیمان کرد و گفت: ادامه بده ای سلیمان (قرشی، ۱۳۸۲، ص ۲۰۲).

#### ۱۰-۴. رعایت فصاحت و بلاغت

از آداب گفتگو و مناظره، رعایت فصاحت و بلاغت است، یعنی در سخن گفتن استفاده از هر گونه کلمات سنگین، نامأنوس، ناموزون، مبهم، سبک و نفرت‌انگیز پرهیز شود و مقتضای حال طرف مقابل و حاضران در محفل گفتگو رعایت شود، زیرا کلام فصیح و بلیغ می‌تواند نقش مهمی در اثرگذاری کلام در افراد حاضر در مجلس مناظره داشته باشد، بر همین اساس وقتی حضرت موسی علیه السلام از سوی خداوند مأموریت مناظره با فرعون را پیدا کرد، از خداوند درخواست نمود تا برادرش هارون که از ویژگی فصاحت در کلام برخوردار بود، با او همراه کند و خداوند درخواست او را اجابت کرد: «وَ أَخِي هَارُونُ هُوَ أَفْصَحُ مِنِّي لِسَانًا فَأَرْسَلْهُ مَعِيَ رِدْءًا يُصَدِّقُنِي إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُكَذِّبُونِ قَالَ سَنَشُدُّ عَضُدَكَ بِأَخِيكَ؛ و برادرم هارون زبانش از من فصیح‌تر است، پس او را همراه من کمک و پشتیبان فرست، تا مرا تصدیق کند زیرا می‌ترسم مرا تکذیب

کنند (و من نتوانم هدفم را به روشنی بیان کنم). گفت: به زودی بازویت را به وسیله برادرت محکم سازیم» (قصص، ۳۴-۳۵).

امام صادق علیه السلام درباره تناسب سخن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با مقتضای حال و به اندازه ظرفیت فهم و درک مخاطب، فرمود: «مَا كَلَّمَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عَقُولِهِمْ؛ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِنَّا مَعْشَرُ الْأَنْبِيَاءِ أُمِرْنَا أَنْ نُكَلِّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عَقُولِهِمْ؛ رَسُولُ خُدا صلی الله علیه و آله هیچ گاه با مردم به اندازه ظرفیت عقل خود سخن نمی گفت و بعد فرمود که رسول خدا فرمود ما پیامبران مأمور هستیم تا به اندازه ظرفیت درک مردم با آنان سخن بگوییم» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۳)؛ بنابراین کسی که قصد مناظره و گفتگو دارد قبل از هر چیز باید ظرفیت درک و فهم طرف مقابلش را بسنجد، آن گاه به مقدار درک او سخن بگوید.

#### ۴-۱۱. تکریم طرف مناظره

تکریم طرف مقابل و پرهیز از هر نوع توهین و تمسخر در مناظره نقش مؤثری در موفقیت در مناظره دارد، همان گونه پیامبران صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام در مناظره های خویش به این مسئله توجه داشتند که یک نمونه آن شیوه برخورد امام رضا علیه السلام با مناظره کنندگان می باشد؛ آن حضرت هنگام مناظره با عمران، وقتی مشاهده کرد که عمران در مقابل استدلال ایشان، حاضر شد اسلام را بپذیرد، او را مورد تکریم قرار داده، به دنبال او می فرستد و به استقبال او رفته و به او خوش آمد می گوید (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۱۷۸) و در مناظره با سلیمان مروزی، وقتی امام تمام راه های جواب را بر روی وی بست و او شروع به تناقض گویی کرد، حاضران جلسه به سلیمان خندیدند، امام رو به مردم کرد و از آنها خواست نسبت به سلیمان ملایمت به خرج دهند و پس از آن گفتگو را ادامه داد (طبرسی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۳۷۳).

#### ۴-۱۲. پرهیز از خشونت

از آداب گفتگو و مناظره که خداوند به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله توصیه فرموده، پرهیز از

خشونت است: «وَإِنْ جَادَلُوكَ فَقُلِ اللَّهُ أَغْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ، اللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ؛ و اگر با تو به ستیز و جدال پرداختند، سپس [با آنان ستیزه مکن و بلکه] بگو خدا نسبت به کارهایی که می‌کنید، از هر کسی آگاه‌تر است؛ خداوند در روز رستاخیز میان شما درباره آنچه اختلاف می‌ورزید، داوری می‌کند» (حج، ۶۸-۶۹). در سخنی دیگر با اینکه بطلان عقاید مشرکان آشکار است، می‌فرماید: «وَإِنَّا أَوْ إِيَّاكُمْ لَعَلَىٰ هُدًىٰ أَوْ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ؛ و قطعاً یا ما [مؤمنان] یا شما [مشرکان] بر هدایت یا گمراهی آشکاری هستیم» (سبأ، ۲۴). این گونه رعایت کردن، مانع به‌چالش طلبیدن طرف مقابل، بلکه فراهم کننده زمینه تسلیم شدن او در مقابل حق می‌شود و برعکس اظهار هرگونه خشونت مانع پذیرش حق از سوی طرف مقابل می‌شود.

البته اگر زمانی طرف مقابل بخواهد با لجاجت در مقابل حق سرکشی کند، می‌توان از روش‌های خاموش کردن استفاده کرد؛ همان گونه که در آیه «وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ» (عنکبوت، ۴۶) به این نکته اشاره شده است که با اهل کتاب جز به روشی که نیکوتر و نرم‌تر و آرام‌تر و به قبول نزدیک‌تر باشد، بحث و گفتگو مکن، مگر با کسانی که ستم کنند و متوسل به زور یا گستاخی شوند و جدل از حد اعتدال خارج شوند. در این صورت شدت به خرج دادن برای مقابله با آنان بلامانع است.

#### ۴-۱۳. برخورداری از تقوای کافی

برخورداری از تقوای لازم و کافی از عوامل موفقیت در مناظره است؛ زیرا طبق معمول در گفتگوی مناظره‌ای، طرفین مناظره آرای گوناگونی ارائه می‌دهند که بعد از اقامه دلیل، آن رأیی پذیرفته می‌شود که از دلایل محکم‌تری برخوردار است. در این صورت اگر آن طرفی که توانست نظرش را اثبات کند و تسلیم رأی مقابل گردید، از تقوای لازم برخوردار نباشد و درونش از زمینه‌های بروز حسادت برخوردار باشد، باید بداند در آزمایش سختی قرار می‌گیرد و امکان دارد حسادتش را با اعمال ناروایی مثل توهین، تحقیر، افترا، دروغ و غیبت آشکار سازد. این گونه افراد برای پرهیز از مبتلاشدن



به این گونه آفات، باید تلاش کنند تا قبل از انجام هر گونه مناظره‌ای، به تقویت تقوا و باورهای درونی خود اقدام کنند تا پس از کسب اطمینان لازم، وارد چنین صحنه‌هایی شوند.

#### ۴-۱۵. مناسب بودن مکان و فضا

وجود مکان و فضای مناسب، در دستیابی به اهداف مناظره، نقش تعیین کننده دارد. شهید ثانی در این باره فرموده است: برگزاری مناظره در مکان خلوت و دور از چشم مردم، محبوب تر از مناظره در مجالس و محافل است؛ زیرا این امر به تمرکز فکر و صفای اندیشه کمک بیشتری می کند و مناظره در حضور توده مردم، انگیزه‌های ریا، تظاهر، حرص در غلبه، اسکات خصم را تحریک می کند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ص ۱۲۵).

رهبر معظم انقلاب درباره آثار رعایت این مسئله در گفتمان‌های آزاداندیشی می فرماید: اگر چنانچه بحث‌های مهم تخصصی در زمینه سیاسی، در زمینه اجتماعی، در زمینه گوناگون حتی فکری و مذهبی، در محیط‌های سالم، بین صاحبان توان و قدرت و بحث، مطرح بشود، مطمئناً ضایعاتی که از کشاندن این بحث‌ها به محیط‌های عمومی و اجتماعی ممکن است پیش بیاید، دیگر پیش نخواهد آمد (خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۶/۸)؛ بنابراین برای بهره‌برداری بیشتر از مناظره، شایسته است مناظره‌ها در فضایی تخصصی تر برگزار شوند تا زمینه داوری علمی و منصفانه فراهم گردد.

#### ۴-۱۶. مدیریت صحیح مناظره‌ها

یکی از عواملی که می تواند در جهت صحیح مناظره‌ها و دستیابی به آرای نو و ارزشمند، نقش مهمی داشته باشد و از بروز آسیب‌ها جلوگیری کند، مدیریت صحیح جلسات مناظره است؛ زیرا همان گونه که مناظره و کرسی‌های آزاداندیشی می تواند آثار فراوانی برای کشور به همراه داشته باشد، در صورت عدم مدیریت صحیح می تواند آثار منفی و زیانباری را به دنبال داشته باشد. رهبر انقلاب درباره لزوم رعایت این مسئله در مناظره‌ها و کرسی‌های آزاداندیشی می فرماید: «باید راه آزاداندیشی و نوآوری و

تحلیل را باز گذاشت، منتها آن را مدیریت کرد تا به ساختارشکنی و شالوده‌شکنی و برهم‌زدن پایه‌های هویت ملی نینجامد. این کار مدیریت صحیح لازم دارد» (خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۸/۱۸).

### نتیجه‌گیری

از مطالبی که بیان شد، روشن می‌گردد مناظره‌ای از منظر قرآن و اهل‌بیت علیهم‌السلام مورد پذیرش است و می‌تواند به اهداف تعیین‌شده دست پیدا کند که طرفین مناظره به آداب و قواعد آن همچون، به‌رمندی از اخلاص، علم و آگاهی، تسلط بر موضوع مناظره، به‌نرمی سخن گفتن، استفاده از بهترین شیوه، تعبد به احکام الهی، سعه صدر، گوش‌دادن سخن طرف مقابل، رعایت فصاحت و بلاغت، تکریم طرف مناظره، پرهیز از خشونت، برخورداری از تقوا پایبند باشند و مناظره در مکان و فضای مناسبی برگزار و به‌خوبی مدیریت شود.

## فهرست منابع

\* قرآن کریم.

۱. ابن ابی فراس، مسعود بن عیسی. (۱۴۱۰ق). تنبیه الخواطر و نزهه النواظر (ج ۵۸). قم: مکتبه فقیه.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۷۸). عیون اخبار الرضا (ج ۱). تهران: نشر جهان.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق). لسان العرب (ج ۱۴). بیروت: دار صادر.
۴. اسکافی، محمد بن همام. (۱۴۰۴ق). التمهیص. قم: مدرسه الامام المهدي علیه السلام.
۵. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۵/۰۸/۱۸). بیانات در دیدار دانشگاهیان سمنان، برگرفته از پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری. <https://b2n.ir/j80867>
۶. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۸/۰۶/۰۸). بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها، برگرفته از پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری. <https://b2n.ir/s92284>
۷. تمیمی آمدی، عبدالواحد. (۱۳۶۶). غرر الحکم. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۸. حسین زاده، علی. (۱۳۹۳). سبک زندگی. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۹. اسدی، علی. (۱۳۸۷). کتاب مقدس و جایگاه آن در مناظرات امام رضا. معرفت، ۱۷ (۱۲۹)، ص ۸۳.
۱۰. دهخدا، علی اکبر. (۱۳۳۰). لغت‌نامه دهخدا (ج ۱۴). تهران: دانشگاه تهران.
۱۱. دیلمی، حسن بن ابی الحسن. (۱۳۶۸). ارشاد القلوب (ج ۱). قم: شریف الرضی.
۱۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). المفردات فی غریب القرآن (ج ۱). دمشق - بیروت: دارالعلم - الدار الشامیه.
۱۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۳۷۴). مفردات الفاظ قرآن (ج ۱، چاپ دوم). تهران: مرتضوی.
۱۴. سجادی، سیدجعفر. (۱۳۷۳). فرهنگ معارف اسلامی. تهران: انتشارات کومش.
۱۵. طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن (ج ۶ و ۱۲). قم: دفتر انتشارات اسلامی.

۱۶. طباطبایی، سیدمحمدرضا. (۱۳۹۰). المراد من منية المريد. قم: انتشارات دارالعلم.
۱۷. طبرسی، احمد بن علی. (۱۴۰۳ق). الإحتجاج علی أهل اللجاج (ج ۱ و ۲، محقق/ مصحح: محمدباقر خراسان). مشهد: نشر مرتضی.
۱۸. طبرسی، احمد بن علی. (۱۳۷۱). الإحتجاج علی أهل اللجاج (ج ۲، مترجم: احمد غفاری مازندرانی). تهران: مرتضوی.
۱۹. فتال نیشابوری، محمد بن احمد. (۱۳۷۵). روضه الواعظین (ج ۱). قم: انتشارات رضی.
۲۰. قرشی، محمدباقر شریف. (۱۳۸۲). پژوهشی دقیق در زندگانی امام علی بن موسی الرضا علیه السلام (مترجم: سیدمحمد صالحی). تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی (ج ۱). تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۲. مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). بحار الانوار (ج ۲). بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۲۳. مشکوه، محمد. (۱۳۲۴). آداب البحث (ج ۱). تهران: سالنامه پارس.
۲۴. مصطفوی، حسن. (۱۳۸۰). تفسیر روشن (ج ۱۳). تهران: مرکز نشر کتاب.
۲۵. مطهری، مرتضی. (۱۳۷۰). اسلام و مقتضیات زمان (ج ۲). تهران: صدرا.
۲۶. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). تفسیر نمونه (ج ۲۰). تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۷. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۵). اخلاق در قرآن (ج ۲). قم: مدرسه علی بن ابی طالب علیه السلام.

## References

\* The Holy Quran.

1. Asadi, A. (1387 AP). The holy book and its place in Imam Reza's debates. *Marafet*, 17(129), page 83. [In Persian]
2. Dehkoda, A. A. (1330 AP). *Dehkoda dictionary* (Vol. 14). Tehran: University of Tehran. [In Persian]
3. Deylami, H. (1368 AP). *Irshad al-Quloub* (Vol. 1). Qom: Sharif al-Razi. [In Persian]
4. Fattal Neishabouri, M. (1375 AP). *Roza al-Waezin* (Vol. 1). Qom: Razi Publications. [In Persian]
5. Hosseinzadeh, A. (1393 AP). *Life style*. Qom: Publications of Imam Khomeini Educational Research Institute. [In Persian]
6. Ibn Abi Faras, M. (1410 AH). *Tanbih al-Khawatar va Nozhah al-Nawazir* (Vol. 58). Qom: Maktabah al-Fiqhiyah. [In Arabic]
7. Ibn Babewayh, M. (1378 AP). *Oyun Akhbar al-Reza* (Vol. 1). Tehran: Nashr Jahan. [In Persian]
8. Ibn Manzoom, M. (1414 AH). *Lisan al-Arab* (Vol. 14). Beirut: Dar Sader. [In Arabic]
9. Khamenei, S. A. (06/08/1388 AP). *Statements in the meeting of university professors*, from: Supreme Leader's information Website <https://b2n.ir/x77023>. [In Persian]
10. Khamenei, S. A. (18/08/1385 AP). *Statements in the meeting of Semnan academics*. Supreme Leader's information Website. From: <https://b2n.ir/j80867>. [In Persian]
11. Koleyni, M. (1407 AH). *Al-Kafi* (Vol. 1). Tehran: Dar al-Kitab al-Islamiya. [In Arabic]
12. Majlesi, M. B. (1403 AH). *Bihar Al-Anwar* (Vol. 2). Beirut: Dar Ihya al-Torath al-Arabi. [In Arabic]
13. Makarem Shirazi, N. (1374 AP). *Tafsir Nemouneh* (Vol. 20). Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiya. [In Persian]

14. Makarem Shirazi, N. (1385 AP). *Ethics in the Qur'an* (Vol. 2). Qom: Ali Bin Abi Talib School. [In Persian]
15. Meshkat, M. (1324 AP). *Adab al-Bahth* (Vol. 1). Tehran: Pars Calender. [In Persian]
16. Mostafavi, H. (1380 AP). *Tafsir Roshan* (Vol. 13). Tehran: Book Publishing Center. [In Persian]
17. Motahari, M. (1370 AP). *Islam and the requirements of time* (Vol. 2). Tehran: Sadra. [In Persian]
18. Qarashi, M. B. (1382 AP). *A detailed research on the life of Imam Ali bin Musa al-Reza*. (Salehi, S. M, Trans.). Tehran: Darul Kitab al-Islamiya. [In Persian]
19. Ragheb Esfahani, H. (1374 AP). *Al-Mufradat fi Qarib al-Qur'an*. (Vol. 1, 2<sup>nd</sup> ed.). Tehran: Mortazavi. [In Persian]
20. Ragheb Esfahani, H. (1412 AH). *Al-Mufardat fi Gharib al-Qur'an* (Vol. 1). Damascus - Beirut: Dar al-Ilm- Al-Dar al-Shamiya. [In Arabic]
21. Sajjadi, S. J. (1373 AP). *The Dictionary of Islamic education*. Tehran: Koumesh Publications. [In Persian]
22. Safi, M. (1404 AH). *Al-Tamhis*. Qom: Al-Imam al-Mahdi School. [In Arabic]
23. Tabarsi, A. (1371 AP). *Al-Ihtijaj ala Ahl al-Lujaj* (Vol. 1). (Ghafari Mazandarani, Trans.). Tehran: Mortazavi. [In Persian]
24. Tabarsi, A. (1403 AH). *Al-Ihtijaj ala Ahl al-Lujaj*. (Vols. 1, 2, Khersan, M. B, Ed.). Mashhad: Morteza Publishing House. [In Arabic]
25. Tabatabaei, S. M. H. (1417 AH). *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an* (Vols. 6, 12). Qom: Islamic Publications Office. [In Arabic]
26. Tabatabaei, S. M. R. (1390 AP). *Al-Morad min Maniah al-Murid*. Qom: Dar al-Ilm Publications. [In Persian]
27. Tamimi Amadi, A. (1366 AP). *Qorar al-Hikam*. Qom: Islamic Propaganda Office of Qom Seminary. [In Persian]